

اخلاقیات زیست پزشکی اسلامی

کتاب برگزیده بین‌المللی سال جمهوری اسلامی ایران

تألیف

پروفسور عبدالعزیز ساشادینا

ترجمه

اکبر شهریوری

محمود عباسی

امیر سماواتی پیروز

سرشناسه	ساشادینا، عبدالعزیز عبدالحسین، ۱۹۵۲-م.
عنوان و نام پدید آور	Sachedina, Abdulaziz Abduhussein : اخلاقیات زیست پزشکی اسلامی تألیف عبدالعزیز ساشادینا؛ ترجمه اکبر شهریوری، محمود عباسی، امیر سماواتی پیروز، [نهیبه کننده] موسسه فرهنگی حقوقی سینا، انجمن علمی حقوق پزشکی ایران، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، تهران؛ مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا، انتشارات حقوقی، ۱۳۹۰
مشخصات نشر	۴۴۸ ص.
مشخصات ظاهر	۹۷۸-۹۶۴-۷۲۷۷-۹۸-۳
شابک	۳-۹۸-۹۶۴-۷۲۷۷-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: Islamic biomedical ethics: principles and applications, 2009
یادداشت	: کتابشناسی به صورت زیر نویس.
موضوع	: اخلاق پزشکی (اسلام)، اخلاق زیست پزشکی (اسلام).
شناسه افتاده	: شهرپوری، اکبر، ۱۳۴۰- مترجم
رده بندی کنگره	RV75/59/الف ۳۳ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی	۱۷۴/۲۳
شماره کتابشناسی	۲۴۷۶۵۰۱

اخلاقیات زیست پزشکی اسلامی

تألیف: پروفسور عبدالعزیز ساشادینا
ترجمه: اکبر شهریوری، محمود عباسی، امیر سماواتی پیروز

حروفچینی: موسسه سینا

صفحه آرای: لیلا خانی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه، دوربر

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پژمان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۷۷-۹۸-۳

ناشر: انتشارات حقوقی

با همکاری

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

انجمن بین المللی اخلاق زیستی اسلامی

مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی

مرکز تحقیقات اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا

مرکز پخش: پایین تر از میدان فلسطین، پلاک ۳۵۷، ساختمان ۱۵۷، طبقه ۴، واحد ۲۵

تلفن: ۶۶۹۷۲۰۰۱-۲ دورنگار: ۶۶۹۷۲۰۰۳

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۷	دیباچه
۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۴۵	فصل اول - اصول اخلاقیات مراقبت‌های سلامتی در اسلام
۱۳۳	فصل دوم - سلامتی و بیماری
۱۷۹	فصل سوم - آغاز حیات
۲۲۳	فصل چهارم - پایان دادن به حیات اولیه
۲۵۷	فصل پنجم - مرگ و مردن
۳۰۳	فصل ششم - اهدای عضو و ارتقای زیبایی
۳۴۳	فصل هفتم - اخلاقیات زیستی اسلامی؛ پیشرفت‌های اولیه
۳۹۱	سخن پایانی

دیباچه

در حالی که جوامع غربی در پی بسط و گسترش اخلاق زیستی مبتنی بر اندیشه سکولار و صدور آن به سایر جوامع به ویژه کشورهای اسلامی‌اند، آنچه تاکنون به عنوان اخلاقیات زیست پزشکی اسلامی ارائه شده است حاوی اطلاعات اندکی از اخلاقیات زیست پزشکی به عنوان نظامی است که در صدد شناخت تصمیمات اخلاقی مبتنی بر دلیل اخلاقی است.

اخلاقیات حاکم بر کشورهای اسلامی اخلاقیات فضیلت‌گرا است که به دنبال پرورش فضائل اخلاقی و تکامل روحانی فرد است. اخلاقیات فضیلت‌گرا با تأکید بر نقش فاعل اخلاقی، دلیل اخلاقی را نیز در وی جستجو می‌کند و این طرز تفکر را می‌توان جلوه بارز اخلاقیات مسلمانان نام نهاد که به دنبال هنجارهایی جهان‌شمول و مطلق که در تنگناهای اخلاقی از کنشگر اخلاقی دستگیری نماید، نمی‌باشد. بدون شک این تفکر اخلاقی می‌تواند در قیاس با سایر نظریه‌های اخلاقی، نقشی مکمل داشته باشد ولی قطعاً پاسخگوی نیاز جامعه در حوزه اخلاقیات نیست و نمی‌توان از آن به عنوان اخلاقیات اسلامی یاد کرد.

کتاب حاضر یکی از معدود آثاری است که با ارائه الگویی اسلامی در پی معرفی و شناسایی نظامی منسجم در اخلاقیات زیست پزشکی است. پروفیسور عبدالعزیز ساشادینا با کنکاش دقیق و موشکافانه در سنت اسلامی، با معرفی اصول و قواعدی که ریشه در نصوص دینی دارد، الگویی مناسب در خصوص پاسخ به تنگناهای اخلاقی در جوامع مسلمان ارائه نموده است. ایشان با تأکید بر تفاوت‌های روش شناختی میان اشکال اخلاقی و تأملات فقهی، پاسخ به سؤالات اخلاقی را در کلام اسلامی جستجو می‌کند. وی با تحقیقی منظم در اصول و قواعد

بنیادین اخلاقی که ریشه در علم کلام دارد، در پی معرفی هنجارهایی جهان شمول است که بتواند در گفتمان مشترک میان فرهنگ های مختلف از جمله جوامع سکولار، راهشگای عمل اخلاقی در مسائل زیست پزشکی باشد.

علیرغم تفاوت بنیادینی که میان اخلاقیات سکولار و اخلاقیات اسلامی وجود دارد، تأکید بر نقش ذاتی عقل در تشخیص حسن و قبح برخی از احکام اخلاقی می تواند نقطه مشترکی در ایجاد گفتمان علمی باشد. اخلاقیات فرا فرهنگی به دنبال غلبه بر تناقضات اخلاقی نسبی گرایانه فرهنگی است. پروفیسور ساشادینا بر این باور است که با احیای تفکر عقلانی مبتنی بر وحی می توان سیستمی فرا فرهنگی و قابل گفتمان ایجاد نمود که در ارزیابی مشکلات حوزه اخلاقیات زیست پزشکی ما را یاری دهد. این امر به معنای عدم توجه به شرایط انسانی در فرهنگ های سیاسی و اجتماعی خاص و عدم رسمیت ارزش های جوامع مختلف نیست. قطعاً در ارائه راه حل هایی در زمینه مراقبت های سلامتی، اولویت های فرهنگی نظیر احترام به خودمختاری فرد و یا احترام به اخلاقیات جمعی نقش بسزایی ایفا خواهند نمود.

اخلاقیات زیست پزشکی شاخه ای تخصصی از اخلاق زیستی است که به تبیین اخلاقیات حاکم بر مسائل پزشکی و حرف وابسته به آن می پردازد. در دو دهه گذشته این موضوع اهمیتی خاص یافته به گونه ای که هم اکنون به عنوان یک رشته تخصصی و حتی فراتر از آن در مقطع فلوشیپ و فوق دکتری برای متخصصین و اعضای هیأت علمی دانشگاه ها تدریس می شود.

گروه اخلاق پزشکی و مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی برای نخستین بار در کشور و منطقه خاورمیانه، از ابتدای سال ۱۳۸۶ به راه اندازی دوره فلوشیپ اخلاق زیست پزشکی همت گماشت و به یمن حضور پروفیسور ساشادینا در مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی که فرصت

مطالعاتی خود را در این مرکز می‌گذرانیدند اخلاق زیست پزشکی و مفاد کتاب حاضر را به عنوان یکی از مباحث محوری مورد مطالعه ارائه نمودند که با استقبال گسترده فراگیران دوره همراه بود. هم چنین متعاقباً ارائه این درس توسط پروفیسور ساشادینا در دوره دکترای تخصصی اخلاق پزشکی فضای بحث در این عرصه را ارتقاء بخشید.

از آن جهت که کتاب حاضر حاصل عمق اندیشه و سال‌ها تجربه مؤلف محترم در زمینه موضوع است که به نحو دقیق و عمیق اخلاق کلامی را به نمایش می‌گذارد و به عنوان کتاب بین‌المللی سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۸ گفتمان جدیدی فراروی ما قرار می‌دهد پرداختن به زوایای مختلف آن یکی از ضرورت‌های اساسی است.

از این رو ترجمه این اثر ارزشمند در مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و با همکاری انجمن علمی حقوق پزشکی ایران و انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی مورد توجه و اهتمام مترجمین قرار گرفت که در اینجا لازم است مراتب تشکر و سپاس خویش را از پژوهشگران محترم مرکز و انجمن، جناب آقای بهرام مشایخی، جناب آقای سیدرضا احسانپور، سرکار خانم حمیده آرین‌نیا که ترجمه اولیه بخش‌هایی از کتاب را برعهده داشتند ابراز دارم. هم‌چنین بر خود فرض می‌دانم از همکاران محترم جناب آقای دکتر اکبر شهریوری - حقوقدان، داروساز، صاحب‌نظر حوزه فلسفه اخلاق و اخلاق پزشکی، مدیر گروه حقوق داروسازی انجمن علمی حقوق پزشکی ایران و عضو کمیته اخلاق در علوم و فناوری کمیسیون ملی آیسکو و جناب آقای دکتر امیر سماواتی پیروز - عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی و رییس کمیته پژوهش انجمن

علمی حقوق پزشکی ایران که علاوه بر ترجمه مستقیم بخش‌هایی از کتاب، مباحثی از ترجمه اینجانب و پژوهشگران مرکز و انجمن را با نظارت مستقیم استاد پروفسور ساشادینا مورد بازبینی قرار داده و تلاش نمودند که متنی سلیس و روان و در عین حال متقن و منطبق بر مقاصد مؤلف ارائه نمایند تشکر و قدردانی و توفیقات روزافزون آنان را از خداوند منان مسألت نمایم.

محمود عباسی

دبیر انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

رئیس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی

رئیس مرکز پژوهشی اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا

و نایب رئیس انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی

پیشگفتار

کتاب حاضر کتابی کاملاً به هنگام و حاصل سال‌ها مطالعه دقیق و وسیع در اصول و عقاید بنیادین اسلام و کاربرد آنها در فن آوری و تجربیات زیست‌پزشکی نوین و همچنین در مسائل عمومی‌تر اخلاقیات پزشکی است.

عبدالعزیز ساشادینا، به عنوان عالمی متبحر در اسلام که سنت دینی او نیز می‌باشد، در کنار علمای سایر سنت‌های دینی و غیر دینی تفکر اخلاقی و در مباحثات مربوط به سیاست‌گذاری عمومی در یک جامعه تکثرگرا حضور داشته است. برای مثال در دانشگاه ویرجینیا، ساشادینا به همراه من و یک همکار دیگر، سمیناری آموزشی در خصوص دیدگاه‌های مسیحی، یهودی و اسلامی در رابطه با گرفتن حیات انسانی برگزار کرد که در آن به سؤالات مهمی در اخلاقیات پزشکی نظیر سقط جنین، خودکشی و اتانازی و همچنین به سؤالاتی نظیر قتل در دفاع مشروع، اعدام و جنگ اشاره شد. این فقط یکی از زمینه‌های بسیاری است که وی به واسطه آن همکاران را در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی در بررسی‌های بسیار دقیق اخلاقیات مذهبی تطبیقی، به تحقیق مشغول کرده است.

در مباحثات سیاست‌گذاری‌های عمومی، ساشادینا بارها و بارها فرا خوانده شده است تا دیدگاه‌های اسلامی را در باره مسائلی نظیر شبیه‌سازی تولید مثل انسانی و یا پژوهش سلول بنیادین رویان انسانی ارائه دهد. از طریق مصادیق و مدارک ارائه شده توسط ساشادینا در کمیسیون ملی مشورتی اخلاقیات زیستی و جلسات کمیته استماع کنگره، سیاست‌گذاران از تعاریف پایدار، شفاف و روشن‌گر ساشادینا از اصول اسلامی و احکام فقهی، چیزهای زیادی آموخته‌اند. خطابه‌های وی مقامات عالی رتبه دولت و کمیته‌های مشورتی را قادر ساخته است تا دیدگاه‌های اسلامی و اندیشه‌های آن را درک کنند و مورد توجه قرار دهند. همچنین وی سخنگویی مهم در صحنه بین‌الملل

بوده است، مانند کنفرانس‌هایی که به حمایت سازمان بهداشت جهانی و دیگر سازمان‌های بین‌المللی برگزار می‌گردند.

سازادینا در نشست‌های مربوط به سیاست‌گذاری‌های عمومی و در محافل دانشگاهی، می‌تواند به روشنی و به طور مؤثر در مورد مواضع اسلامی گفتگو کند، زیرا وی مست دینی خود را به طور کامل مورد مطالعه قرار داده است و به دیدگاه‌های سایر سنن دینی و غیر دینی اشراف دارد. این اشراف او را قادر می‌سازد تا به طور همزمان در باره آنچه که در مواضع دیدگاه‌های اسلامی منحصر به فرد است و آنچه که در مشارکت با سایر سنن قرار دارد، گفتگو کند و به طور قابل توجهی در گفتمان عمومی و روشنفکرانه کنونی مشارکت نماید.

از آن جایی که اسلام به دیدگاهی مهم در گفتگوهای مرتبط با اخلاقیات زیستی در غرب تبدیل شده است، مفسران آن اغلب به مسائلی خاص نظیر جایگاه اخلاقی جنین اشاره کرده‌اند. علیرغم این که چنین مشارکت‌هایی باعث افزایش درک ما از اخلاقیات زیستی اسلامی گردیده است، مدت‌ها بود که نیاز به یک ارائه نظام‌مند و جامع از اخلاقیات زیستی اسلامی که بتواند احکام فقهی اسلام را به اعتقادات اخلاقی - کلامی گسترده‌تری متصل کند، احساس می‌کردیم. این نیاز، اکنون به واسطه کتاب اخلاقیات زیست پزشکی اسلامی سازادینا که راهنمایی واقعاً قابل اعتماد، شفاف و روشنگر است، بر طرف شده است. این کتاب به تنها نظرات اخلاقیات زیستی اسلام را به تصویر می‌کشد، بلکه در توسعه و پیشرفت کنونی آن نیز مشارکت دارد.

ما عمیقاً بابت این اثر قوی و غنی به سازادینا مدیون می‌باشیم.

جیمز چیلدرس

استاد اخلاقیات دانشگاه ویرجینیا

مقدمه

اسلام، آیینی مبتنی بر یکتاپرستی است که در بسیاری از زمینه‌های اخلاقی، فرهنگی و معنوی با ادیان مسیحی و یهودی دارای نقاط اشتراک می‌باشد. واژه اسلام که برای آخرین دین از ادیان ابراهیمی بکار می‌رود، از لحاظ لغوی به معنای «تسلیم شدن در برابر اراده الهی» است. حضرت محمد (ص)، پیامبر اسلام و بنیانگذار نظام اجتماعی اسلامی، هفت قرن پس از میلاد مسیح، دین اسلام را در عربستان اعلام کرد. آغاز اسلام در سال ۶۱۰ میلادی همراه با درگیری‌هایی به منظور حاکم نمودن عقاید یکتاپرستی در میان فرهنگ قبیله‌ای اعراب مشرک بود که مستلزم جدایی اسلام از تمایلات نفاق برانگیز و خشونت طلبانه شد تا از این رهگذر، جامعه‌ای اخلاقی که عدالت و رحمت الهی را متجلی می‌نماید، به وجود آید. حضرت محمد (ص) که پیامبری سیاستمدار بود، اصلاحاتی را بیان نهاد تا جامعه‌ای متحد - امت - را بر مبنای وابستگی دینی برپا سازد.

رهبری سیاسی - دینی حضرت محمد (ص) و مأموریت پیروان او برای ترویج اسلام، انگیزه‌ای قوی برای گسترش جامعه اسلام در نراسوی مرزهای اعراب ایجاد نمود. در طول یک دهه پس از وفات وی در سال ۱۱ هجری برابر با ۶۳۲ میلادی، سپاهیان اسلام موفق به فتح سرزمینی شدند که از نیل در شمال آفریقا تا رود جیجون در آسیای مرکزی و از شرق تا هند گسترش یافته بود. موفقیت سیاسی سپاهیان اسلام و کشورگشایی‌های آنان، هیچ‌گاه نتوانست درگیری داخلی را که ناشی از رقابت این گروه‌ها برای رهبری جامعه نوپای پس از پیامبر بود، خاموش نماید. مسأله خلافت و جانشینی پیامبر از قبل نیز در اذهان برخی از پیروان با نفوذ وی در واپسین روزهای بیماری‌اش وجود داشت. یکی از مسائل مهمی که سبب انشعاب جامعه به دو گروه شیعه و سنی گردید، بحث رهبری جامعه پس از پیامبر بود. گروه قوی‌تر، از ابوبکر که از صحابه سالمند پیامبر بود، به عنوان جانشین پیامبر و رهبر سیاسی جامعه

حمایت کردند. کسانی که طرفدار خلافت و بیعت با ابوبکر و جانشینان وی می‌باشند، تحت عنوان اهل سنت شناخته می‌شوند. گروه دیگری که نفوذی معادل با گروه قبلی داشتند و متشکل از اعضای برجسته خاندان پیامبر بودند، زعامت ابوبکر را نپذیرفتند. به نظر این گروه، پیامبر، پسرعمو و داماد خویش علی بن ابی طالب (ع) را قبل از وفات خود در سال دهم هجری در حجةالوداع به رهبری امت اسلامی منصوب نمود. آن دسته از کسانی که از قبول خلافت ابوبکر امتناع کردند و در مقابل، به بیعت با علی (ع) و اخلاف وی، به عنوان جانشین بر حق پیامبر در هر دو حوزه دین و دنیا پرداختند، گروه اقلیتی را موسوم به شیعه شکل دادند. امروزه حدود هشتاد درصد از مسلمانان را اهل سنت به خود اختصاص داده است و از این رو، اکثریت جامعه اسلامی به‌شمار می‌آیند.

اختلاف نظر بر رهبری در جامعه، فراتر از مسأله‌ای صرفاً سیاسی بود. این امر خارج از دنیای سیاست پیامدهای عمیقی داشت. دستورات مؤکد قرآن کریم در اطاعت از پیامبر، به وی شخصیت و قدرت همه‌جانبه‌ای برای برقراری نظام اجتماعی و شکل دادن به مسیر آینده در ابعاد مختلف زندگی مسلمانان عطا نمود. در دوره پس از پیامبر، اختلاف بر سر رهبری مسلمانان، امت اسلامی را به جستجوی بی‌پایان برای یافتن مقامی صالح که اطاعت از وی بتواند سعادت دنیا و آخرت را تضمین نماید، واداشت. اهل سنت چنین مقامی را در «سنت» و «جماعت» [۱] جستجو می‌کنند در حالی که شیعیان این مقام را در امام معصوم می‌یابند. [۲] سنت و مقام فردی امام معصوم، تفکر و رویه‌ای را در جامعه اسلامی شکل داد که این کتاب در پی بررسی آن در حوزه اخلاقیات زیست پزشکی اسلامی است.

شریعت: نظام اخلاقی - فقهی اسلام

از دیدگاه معرفت‌شناسی، تحقیق در خصوص مسائل جدید مرتبط با پیشرفت‌های زیست پزشکی نوین، در حوزه مطالعات اخلاقی - فقهی اسلام قرار می‌گیرد. از

آنجایی که مباحث مربوط به زیست‌پزشکی، در دو حوزه، یعنی روابط میان افراد و روابط میان انسان و خداوند مطرح می‌باشد، به نظر می‌رسد بررسی‌های فقهی اسلام در این مورد، جامع باشد. این بررسی‌ها دربردارنده هر نوع تصمیم‌گیری وجدانی و ارزیابی عواقب عمل فرد می‌باشند. پژوهش حاضر در چارچوب اخلاقیات زیست‌پزشکی، شامل جنبه‌های کاربردی و پژوهش‌های مرتبط با آن است. بیشتر پژوهش‌های فقهی در خصوص فعالیت‌ها و روابط میان افراد است که بر مسائل اخلاقی هر شخص در جامعه به طور کلی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، هنگامی که بیمار در وضعیت ثابت نباتی قرار دارد و بار سنگین مالی و روانی را بر اعضای خانواده‌اش تحمیل می‌کند، پزشک معالج ملزم به انجام چه اقدامی است؟ و یا در مورد اختلافات میان زن و شوهر درباره ادامه بارداری که برای سلامتی زن خطرناک است، چه اقدامی مناسب می‌باشد؟ ادامه بارداری یا سقط زود هنگام جنینی که دست کم، در چهار ماهگی از حرمت حیات برخوردار است؟

شریعت اسلام، تمامی افعال انسان را اعم از اینکه نسبت به همدیگر و یا نسبت به خداوند انجام گیرند، در بردارد. شریعت عبارت است از هنجار موجود در جامعه‌ای اسلامی که منتج از تلاش‌های مسلمانان برای اطمینان یافتن از احکامی است که اسلام به آنها اهمیت داده است. دو مسأله مهم در حیات انسان، گستره این تلاش‌ها را مشخص می‌نمایند: اول، عبادات که به صورت عبادات فردی و جمعی بنیان‌های ایمان را تشکیل می‌دهند و دوم، اعمال مرتبط با نظم عمومی که ضامن عدالت فردی و جمعی در جامعه است. عبادات به قصد تحصیل رضای خداوند انجام می‌شوند و شامل تمامی افعال دینی نظیر اقامه نمازهای روزانه، گرفتن روزه، صدقه دادن و نظایر آن می‌باشد. دسته دوم که جهت حفظ نظم عمومی است، معاملات نام دارد. سنجش دینی این دو دسته، بستگی به تقسیم دقیق حدود صلاحیت آنها براساس توانایی نهادهای اجتماعی در اجرای شریعت و اتخاذ ضمانت اجراهای لازم برای تخطی از فرامین آن دارد. در اسلام، همه اعمال باید در جهت تحصیل رضایت خداوند انجام شوند و انسان

تنها در حیطه معاملات که حاکم بر رفتارهای بین افراد است صلاحیت قانونگذاری دارد. تنها پروردگار شایسته ستایش است، زیرا عبادت صرفاً به معنی برقراری ارتباط فرد با خداوند می‌باشد. در نتیجه، تنها خداوند مستحق قضاوت در خصوص شایستگی افعال و دادن پاداش نهایی به آنها است. با وجود این، محاکمی که انسان بنا نهاده است، دارای اقتداری به منظور اجرای قوانین حاکم بر روابط میان افراد در جامعه می‌باشند. این نکته حائز اهمیت است که از زمان صدر اسلام، شریعت جایگاه دنیوی نهادهای ایجاد شده توسط انسان را به رسمیت شناخت، اما فرض دخالت در رابطه انسان با خداوند را نپذیرفت. همین تمایز میان این دو حوزه، مسلمانان را قادر ساخت تا با به کارگیری نهادهای و فرهنگ‌های محلی، مدیریت نواحی فتح شده دنیا را ارتقاء بخشند. به علاوه، همین مسأله به شناخت بهتر اصل قرآنی «همزیستی میان جوامع مختلف» کمک کرد.

قرآن کریم به عنوان مهمترین نص دینی، شامل الگوهایی در رابطه با قداست حیات انسان و دیگر موضوعات کلی است که می‌توان از آن به منظور حل مسائل مربوط به سعادت انسان در شرایط مختلف استفاده کرد. برای مثال، قرآن کریم به مسلمانان توصیه می‌نماید که همه توافقات مربوط به تعهدات مالی میان خود را به صورت مکتوب، منعقد سازند. فقها با استفاده از این رهنمود و با تدوین بایی مفصل در فقه، همه قواعد ضروری در این رابطه را استنباط کرده‌اند تا از این طریق، اطمینان یابند که در مواردی که میان دو یا چند طرف، ادعاها و مسئولیت‌های متقابل وجود دارد، هیچ گونه بی‌عدالتی محقق نخواهد شد. بنابراین، همان گونه که نگارنده در همین کتاب اشاره خواهد کرد، در تدوین احکام جدید به مسأله مربوط به رَجَم جایگزین توجه بیشتری شده است. احکام مذکور مشتمل بر حقوق و مسئولیت‌های مالی متقابل می‌باشد و از لحاظ شرعی و حقوقی اینگونه احکام، شکل خاصی از رَجَم جایگزین را تأیید کرده‌اند. قرآن کریم در مورد موضوعات کیفری و مدنی، معیاری اخلاقی را برای رفتار انسان مقرر ساخته است که فقها از آن به منظور استنباط احکام فقهی در

حوزه تعاملات اجتماعی استفاده کرده‌اند تا اطمینان یابند که عدالت و رویه منصفانه در همه رفتارهای انسان حکمفرما است.

به جهت ایجاد چنین سیستم فقهی جامع‌نگری برپایه نصوص دینی، فقه‌های اسلام علاوه بر قرآن، به شخص بنیانگذار اجتماع اولیه مسلمانان نیز رجوع کردند. قرآن کریم اطاعت از پیامبر و اولی الامر را که جمعی ایده آل، متشکل از بزرگان نسل‌های اول و دوم مسلمانان بود، لازم می‌دانست. قرآن کریم از این طریق، زمینه گسترش اعمال شرعی را فراتر از حیات دنیوی پیامبر فراهم ساخت. از لحاظ نظری چنین درکی از شریعت، جهت استنباط نظام فقهی که اعتبار خود را در تبعیت از سنت عملی پیامبر می‌دید، ضروری بود. به وضوح، از نظر قرآن کریم، جامعه بدون پیامبر نمی‌تواند وجود داشته باشد. از این رو، آن گونه که جامعه صدر اسلام حیات پیامبر را درک و گزارش کرد، سنگ بنای اخلاقی برای آنچه مسلمانان سنت می‌نامند، نیز بنا نهاده شد. واژه سنت در مفهوم مضیق آن، عبارت از مجموعه قوانینی است که فقه‌های متقدم توانستند از طریق آن، قوانین لازم را در مورد نیازهای در حال رشد اجتماع استنباط نمایند. از این رو، نگارنده در این کتاب واژه سنت را برای اشاره به اطلاعاتی که در قالب احادیث و روایات به نسل بعدی منتقل شده‌اند، به کار می‌برد. این اطلاعات جمع‌آوری و تدوین شده‌اند تا مبنایی برای ایجاد احکام اخلاقی - فقهی گردند. مفهوم سنت در علوم دینی، متشکل از مجموعه احادیثی است که مسلمانان اهل سنت آنها را در صحاح سته و شیعیان، در کتب اربعه خود جمع‌آوری کرده‌اند. تلاش فکری به منظور تفسیر صحیح از قرآن کریم و همچنین ارزیابی در مورد صحت یا سقم احادیث منسوب به پیامبر و جامعه صدر اسلام، پایه‌گذار دانشی به نام فقه بود. از قرن سوم هجری تا پایان قرن چهارم، فقها عقاید خود را به یکی از علمای برجسته در حوزه پژوهش‌های فقهی استناد می‌دادند. مذهبی فقهی که از سنت عراقی تبعیت می‌نمود، بعد از فوت ابوحنیفه در عراق، مکتب حنفی نام گرفت. پیروان مالک بن انس در عربستان و نقاط دیگر که از احکام او تبعیت می‌کردند، به مالکی

موسوم بودند. شافعی نیز که یکی از علمای برجسته فقهی اسلام به شمار می‌آید، بنیانگذار مذهبی در مصر بود که تأثیر آن به سرعت به سایر نقاط جهان اسلام گسترش پیدا کرد. مذهبی دیگر به احمد بن حنبل منتسب بود. وی اثری در زمینه حدیث و روایات تدوین کرد که تبدیل به منبعی در احکام فقهی برای پیروانش شد. شیعیان نیز مذهب فقهی موسوم به مذهب جعفری را بنیان نهادند که عالم برجسته آن، امام جعفر صادق (ع) بود. به طور طبیعی مسلمانان، مذهبی فقهی را که در زادگاهشان رواج داشت، می‌پذیرفتند. بیشتر اهل سنت از مذهب حنفی یا شافعی تبعیت می‌نمایند، حال آنکه شیعیان پیرو مذهب جعفری می‌باشند. در فقدان مذهب سازمان‌یافته و یا روحانیت انتصابی در اسلام، تبیین رویه معتبر دینی برعهده دانشمندان صالح علوم شرعیه بود. از این رو نظامی پویا که نشأت گرفته از تفاسیر مختلف از قوانین قرآنی و سنت نبوی بود باعث ارتقای مذاهب مختلف در رویه فقهی شد.

درک مباحث اخلاقی - فقهی

فقه‌ها کاملاً از ریشه‌های اخلاقی تکالیف دینی که همه مسلمانان به عنوان اعضای جامعه دینی ملزم به انجام آنها بودند، آگاهی داشتند. در حقیقت اعتبار تحقیقات فقه‌ها در خصوص ارائه راه حلی برای موارد مستحدثه که براساس نصوص دینی صورت می‌گرفت، بستگی به توجه ویژه آنان به تفاوت‌های اوصاف اخلاقی موارد یاد شده داشت. این امر با دقت نظر در علل و مصالح موارد مشابهی که ریشه در سنت داشت، قابل دسترسی بود. آنچه اعتبار آراء فقهی را تضمین می‌نمود، توانایی استنتاج قواعد اخلاقی جهان‌شمولی مانند قاعده "لا ضرر و لا ضرار" بود که می‌توانست بدون هیچ محدودیتی در موارد مشابه ساری و جاری گردد. فقه‌ها در ارزیابی خود درباره مجموعه‌ای از ملاحظات اخلاقی ناشی از وضعیتی جدید که نیازمند راه حل فقهی بود، با بررسی ادله احکامی که ریشه در سنت داشتند، به علل و صفات و ویژگی‌هایی دست می‌یافتند که می‌توانستند آنها را در موارد مشابه به کار بندند. قاعده این بود که

در نتیجه شباهت میان دو مورد، حکم موضوع قبلی به موضوع جدید تسری می‌یافت. بدین ترتیب بیشتر توجه فقها به آن قواعد منعطف گردید و چگونگی تعمیم علت، تبدیل به مبنایی برای مناظرات بین فقها گشت و بخش مهمی از رویه‌هایی را تشکیل داد که از آنها برای حل مشکلات اولیه و به کارگیری مجدد آنها در موقعیت‌های مناقشه‌برانگیز جدید استفاده می‌شد. [۴] با تبیین علل و اوصاف موارد موجود در سنت و اثبات مشابهت مورد جدید با موارد یاد شده، صدور احکام جدید امکان پذیر می‌شد. با این حال، قدرت این احکام، بستگی به ملاحظات اخلاقی و عملی ناشی از این قواعد و اجماع فقها در خصوص اینگونه استنباط قیاسی داشت.

در فقه اسلام، ارزش‌های اخلاقی، بخشی لاینفک از الگوی رفتاری است که نظام اسلام برای جامعه فراهم می‌سازد. هیچ‌گونه حکم فقهی بدون تحلیل دقیق عوامل مختلفی که صحت یا سقم وضعیت مورد نظر را تعیین می‌کنند، صادر نمی‌شود. مبنای احکام که در نصوص دینی - قرآن کریم و سنت - آمده است، متضمن فرامین الهی با توجه به حسن و یا قبیح بودن عمل می‌باشد. بین اوامر و نواهی الهی و دلیل اخلاقی که مبنای امر و نهی است، پیوندی ذاتی وجود دارد. باطن شریعت، کشف اهداف خداوند از خلقت برای نوع بشر است. عقل انسان عطیه‌ای الهی است و او را قادر می‌سازد که از رهگذر کنکاش مفاهیم پیام وحی از جانب پیامبر، به ماوراء الطبیعه پی ببرد.

هرچند نگارنده این سطور به ارزش‌های اخلاقی جهان‌شمول و مطلق در همه فرهنگ‌ها معتقد است، لیکن شرایط انسان در فرهنگ‌های سیاسی و اجتماعی خاص، نیازمند بررسی اصول و قواعدی است تا رهنمودهای معینی برای هر فرهنگ در جوامع اسلامی به منظور حل مسائل عملی به دست آید. فرض من در این کتاب بر این است که جنبه‌های عملی مقدم بر جستجوی قواعد و اصول است. معمولاً هنگام مواجهه با تنگنای اخلاقی بررسی‌ها به سمت نتیجه‌ای رضایت‌مند سوق می‌یابند که در آن صرف نظر از اصول کاربردی، توجیهات بر نتایج عملی مبتنی‌اند. برای مثال، فقها در خصوص جواز تشریح جسد به منظور بیرون آوردن شیء با ارزشی که متوفی آن را

بلعیده است با توجه به عواقب منع چنین عملی، حکم به حلّیت داده‌اند. نکته مهم اخلاقی که با ارزش‌تر از کرامت جسد متوفی است، مالکیت شیء بلعیده شده می‌باشد که از طریق ارث به فرزند یتیم متوفی منتقل می‌شود. تشریح جسد در اسلام حرام است، اما این مسأله نیاز به راه حلی فوری دارد که مبتنی بر اخلاق غایت مدار است. مثال دیگر در این خصوص مربوط به زن بیماری است که طبق قواعد اسلام باید تنها توسط پزشک زن مورد معالجه قرار گیرد. در مواردی که معالجه مزبور فوری و اضطراری باشد، احتیاج عملی به حفظ حیات وی بر حکم اولیه حرمت حاکم می‌شود، زیرا قاعده ضرورت که از متون دینی استنباط شده است بر قاعده لزوم تفکیک جنسی که ریشه در ملاحظات عقلانی دارد، ترجیح داده می‌شود. از این‌رو، قاعده ضرورت، راه حلی غایت‌مدار را تعیین می‌کند و منطقی غیرقابل اعتراض را برای زن مسلمان بیمار به منظور مراجعه به پزشک مردی که نسبتی با وی ندارد، فراهم می‌سازد. مصادیق بسیاری وجود دارد که به خوبی نشان‌دهنده اولویت های فرهنگی در ارائه راه حل‌هایی برای مشکلات ضروری در زمینه مراقبت‌های سلامتی در جوامع اسلامی است. در این‌گونه جوامع، اصل خودمختاری در تصمیم‌گیری که در جوامع غربی به میزان زیادی وجود دارد، اهمیت کسری می‌یابد، حال آنکه اخلاقیات جمعی، نتیجه هرگونه تصمیم پزشکی را بر منابع مالی خانواده و اجتماع در نظر می‌گیرد. هدف اصلی مقدمه، معرفی مباحث اخلاق اسلامی در بستر حوزه ظهور اخلاقیات زیستی در جهان اسلام می‌باشد. نظریه‌های اخلاقی که مبنای نظام فقهی در اسلام را شکل می‌دهند، دارای توانایی بالقوه در فراهم ساختن زبانی جهانی و قابل فهم می‌باشند. چنین زبانی قادر است اخلاق زیستی سکولار را که از لحاظ معرفت‌شناسی، مسیر ملاحظات بین‌المللی را در مورد مسائل فن‌آوری زیستی و زیست پزشکی تعیین می‌نماید، در این مسأله درگیر سازد. آنچه به شدت در جوامع اسلامی احساس می‌شود، نیاز به تشریح این مسأله برای علمای دینی است که اخلاقیات اسلامی دارای زمینه‌ای مشترک با اخلاقیات زیستی سکولار است. همین زمینه مشترک می‌تواند فرصتی را

فراهم نماید تا به منظور حمایت از کرامت انسان و پیشرفت بهداشت روانی و جسمی وی، گفتگویی با سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان جهانی بهداشت یا یونسکو صورت گیرد. اخلاقیات زیستی در جهان اسلام، حوزه‌ای نسبتاً جدید برای تحقیق است و از این‌رو هیچ‌گونه تلاش جدی به منظور تعریف عوامل معرفت‌شناختی در این حوزه آن‌گونه که به فرهنگ اسلامی مرتبط باشد، صورت نگرفته است. معمولاً تا این اواخر، مسائل مربوط به اخلاقیات زیستی در دنیای اسلام بدون توجه به حساسیت‌های فرهنگی - بومی درباره سلامتی یا بیماری انسان مطرح می‌شد. جهانی شدن آموزش پزشکی، منجر به این تصور نادرست برای نهادها و متخصصین مراقبت‌های سلامتی در جوامع اسلامی شده است که حل مشکلات اخلاقی که در غرب سکولار صورت می‌گیرد بر سایر فرهنگ‌ها نیز تحمیل شود، با وجود این، تمایل فزاینده به راه حل‌های مشخص اسلامی در بین جمعیتی که دارای حساسیت دینی‌اند، سازمان‌ها و متخصصان مراقبت‌های سلامتی را ملزم ساخته است تا به منظور ارائه راه حل‌هایی که در رویه و پژوهش پزشکی دارای حساسیت فرهنگی می‌باشند، به گونه‌ای جدی‌تر به حساسیت‌های دینی و اخلاقی افراد بیندیشند.

من پس از صرف مدت‌زمان زیادی در مراکز علوم فقهی اسلامی و تدوین قواعد مربوط به حوزه‌های بحث‌برانگیز روابط پزشک و بیمار و یا درمان‌های پزشکی نوین که باعث ایجاد تنگناهای دینی و اخلاقی برای مسلمانان می‌باشند، به سرعت دریافتم که به منظور مشارکت در گفتگو با متخصصان اخلاقیات زیستی که سکولار و یا پیرو سایر ادیان‌اند، نیاز به پژوهشی فراتر از فتاوی متداول فقهی در آن رشته‌ها وجود دارد. من به‌ویژه نیاز به کنکاش در مورد اخلاقیات اجتماعی اسلامی داشتم تا به مبانی این‌گونه احکام در بسترهای فرهنگی و اجتماعی آگاهی یابم. در این پژوهش، بنده مطلع بودم که هر چند روش‌شناسی فقهی اسلامی ریشه‌ای عمیق در برخی اصول اخلاقی از قبیل "دفع ضرر" و "ارتقای مصلحت عمومی" در استنباط خود دارد و مسلمانان در زندگی روزمره خود با آنها مواجه می‌شوند، ولیکن احکام فقهی بدون

فرهنگ‌های محلی و منابع دینی‌شان بودند. علاوه بر این، سخنرانان مذکور توانایی کمی در تبیین این مسأله داشتند که اخلاقیات زیستی چگونه می‌تواند مشروعیت بومی و منطقی بیابد بدون اینکه صرفاً از اخلاقیات زیستی سکولار غرب که به طور کامل بازتاب ارزش‌های منطقه‌ای و محلی مسلمانان نمی‌باشد؛ کورکورانه تقلید نماید.

هدف دیگر از دنبال کردن بنیان اخلاقی نظام فقهی اسلامی، تأکید بر بعد انسانی استنباط فقهی در اسلام است، به نحوی که اجتهاد شرعی منضم به روابط میان افراد در مجموعه فقهی میراث استی، در بسترهای تاریخی و فرهنگی - اجتماعی نسبی خود درک شود. همان‌گونه که در فصل اول توضیح خواهیم داد، هیچ‌گونه کمبود منابع مفهومی در اخلاقیات کلامی برای استنباط اصول اخلاقی جهان‌شمول به منظور هدایت انسانی که نیازمند برخوردی منصفانه در تخصیص منابع محدود این جهان است، وجود ندارد. عجیب نیست که غفلت از منابع اخلاقی اسلام در خصوص اخلاق جهان‌شمول بر مواد مختلف اعلامیه حقوق بشر قاهره، که در سال ۱۹۹۴ منتشر شد، تأثیر گذارده است. در اعلامیه مذکور، حقوق اساسی بشر براساس قواعد شریعت تضمین می‌شود که بسته به قرائت‌های مختلف ممکن است با تقسیم افراد جامعه به مسلمان و غیرمسلمان، و درنظر گرفتن تمایزات جنسی و تفاوت‌های موجود، منجر به تبعیض در سطوح مختلف دسترسی به بهداشت عمومی در جوامع اسلامی گردد. به عنوان مثال، ماده ۲۴ اعلامیه ۱۹۹۴ قاهره، به وضوح تصریح می‌کند: «همه حقوق و آزادی‌های مقرر شده در این اعلامیه، تابع شریعت اسلام است». حتی ماده ۲۵ به نحو واضح‌تر بر نقش مطلق شریعت اسلام به عنوان «تنها منبع قابل رجوع جهت تشریح و توضیح هر یک از ماده‌های این اعلامیه» تأکید می‌ورزد. (قاهره ۱۴ محرم ۱۴۱۱ هجری برابر با ۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی) همانند اعلامیه قاهره، تاریخ اصلاحات فقهی در جهان اسلام، مملو از نمونه‌هایی است که نیازمند پاسخ فقهای اسلام برای ارتقاء روش شناسی فقهی جامع می‌باشد. این‌گونه روش‌شناسی باید بتواند از اصول فقهی کلاسیک فراتر رود تا راه حل‌هایی با درنظر گرفتن واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی ارتباط بین

دولت و ملت ارائه نماید به گونه‌ای که بتواند با همه شهروندانش به طور مساوی رفتار نماید. بدون اعلام و به رسمیت شناختن ارزش اخلاقی همه انسان‌ها براساس وحی اسلامی، صحبت از کرامت ذاتی انسان و حقوق لاینفک بشر، مضحک است.

نادیده انگاشتن پیش‌فرض‌های اخلاقی نظام فقهی اسلام در میان فقها، در بحث پیرامون تمایز میان مسلمان و غیرمسلمان در اجرای عدالت میان افراد، امری شایع است. اخلاقیات زیستی به عنوان یک شعبه از اخلاقیات اجتماعی نیاز به تحقیق در مورد مسائل پیچیده اخلاقی مربوط به رویه‌های پزشکی دارد. بدون تشریح کامل توجیهات عقلی و شرعی برای جواز یا حرمت منع رویه پزشکی مورد شبهه، عدالت به اجرا در نمی‌آید. این گونه ارزشها مبنای مراقبت‌های سلامتی را در جوامع اسلامی اعم از دنیای اسلام و کشورهای که مسلمانان به تعداد متناهی به آنها مهاجرت کرده‌اند، تشکیل می‌دهند. در نهایت، نقش پژوهش اخلاقی، پیشنهاد رفتاری صحیح و متناسب با ارزش‌های اخلاقی جهان‌شمول است که در تمامی فرهنگ‌ها اعمال می‌شوند. آیا مسلمانان می‌توانند چنین مباحث جهان‌شمولی را که قویاً مشتق از منابع فرهنگی و دینی آنها باشد، ارائه نمایند؟

پس از سال‌ها تدریس اخلاقیات زیستی در جوامع اسلامی، به این نتیجه رسیده‌ام که ترجمه یا الگوبرداری اشتباه از اخلاقیات زیستی غرب برای اعمال در مؤسسات پزشکی و مراقبت‌های سلامتی مسلمانان، بدون بررسی اولیه منابع فرهنگ و معرفت‌شناسی بومی به منظور تدریس و اشاعه اخلاقیات زیستی در جوامع اسلامی، عقیم می‌ماند. با توجه به نیاز جوامع اسلامی در اتخاذ رویکردی نوین در قبال اخلاق و به ویژه اخلاق حرفه‌ای و مراقبت‌های سلامتی، تلاش کردم تا معرفت‌شناسی را در فضای مراقبت‌های سلامتی جوامع اسلامی گسترش دهم و نوعی از اخلاقیات زیستی را که از لحاظ تاریخی استوار باشد، ارائه نمایم.

پژوهش حاضر، به بررسی منابع دینی نظام اخلاقی - فقهی اسلام و کاربرد اخلاقیات زیستی متناسب با فرهنگ اسلامی می‌پردازد. از یک سو، هدف کلی

گسترش این گفتمان است که باید به اقتدار بیماران در مقابل مؤسسات مراقبت‌های سلامتی توجه بیشتری مبذول نمود. متأسفانه در بیشتر جوامع اسلامی، سیاست‌های مربوط به مراقبت‌های سلامتی، در غیاب خط‌مشی‌هایی که در مورد آنها اتفاق نظر وجود دارد، تدوین می‌گردد. حال آنکه این گونه سیاست‌ها بدون مناظره‌ای عمومی در خصوص ارزیابی مناسب از منابع فرهنگی و اخلاقی اسلامی و همچنین بدون احترام به کرامت انسانی و لحاظ کردن مسائل مربوط به حقوق بشر به منظور ارتقای بهداشت فردی و عمومی قابلیت اجرایی نخواهند داشت. از سوی دیگر، این پژوهش، فقهای را که در حوزه اخلاقیات زیست پزشکی فعالیت می‌نمایند، قادر می‌سازد تا به مشارکت در مباحث اخلاقیات زیستی با سایر جوامع دینی بپردازند. این جوامع نیز همانند ما در تلاش‌اند تا ارزش‌های اخلاقی و دینی خود را در فرهنگ گسترده غیردینی رویه‌های پزشکی، حفظ کنند. احکام فقهی که به منظور حل مشکلات جدید زیست‌پزشکی ارائه می‌شوند، نشان‌دهنده نقش نصوص دینی و همچنین اصول اولیه اخلاقی در استنباط احکام فقهی - اخلاقی می‌باشند ولی با این حال، منابع مذکور در طول تاریخ به وجود آمده‌اند و نیاز به بازنگری مداوم دارند تا از این رهگذر، اعتبار دینی احکام جدید را فراهم سازند.

حرکت کردن میان سنت‌های اخلاقی و فقهی در اسلام، کاری چالش‌برانگیز است. درک و شناسایی شیوه‌های دلیل اخلاقی که حامی قانونگذاری در حوزه اخلاقیات زیستی است، از طریق روش‌شناسی تاریخی فقه اسلامی، همیشه امکان‌پذیر نیست. هنوز تمایلی عمومی به اخلاقیات کلامی، به عنوان نظامی جداگانه و تنیده شده در فقه، در میان علمای فقه اسلام در غرب و جوامع اسلامی وجود ندارد. در کشورهای غربی، پس از انتشار کتابی در خصوص غنی بودن اخلاقیات کلامی اسلام و پیوند ذاتی آن با کلام عقاید گدا و طسعی مسیحی - نهانی توسط جرج. اف.

حورانی^۱ و ماجد فخری این مبحث، به طور جدی مورد توجه قرار گرفت. آنچه در خصوص اخلاقیات اسلامی در کشورهای اسلامی دیده می‌شود، غالباً اخلاقیات ارسطویی است و نه اخلاقیات کلامی که از طریق پژوهش‌های ساختارشکنانه حورانی در مورد عقاید یکی از متکلمین معتزلی به نام قاضی عبدالجبار اسد آبادی انجام گرفته است. [۵] اخلاقیات ارسطویی آن گونه که در جهان اسلام تدریس می‌شود، در ارتباط با تکامل حیات معنوی و به عنوان بخشی از نظام اخلاقی و روحانی فردی محسوب می‌شود. بنابراین آنچه به عنوان «اخلاقیات زیستی اسلامی» ارائه شده است، حاوی اطلاعات اندکی از اخلاق به عنوان نظامی است که در صدد شناخت تصمیمات اخلاقی مبتنی بر دلیل اخلاقی است.

این مسأله به هیچ وجه عجیب نیست. بیشتر مقالات و مطالعات انجام شده در زمینه مسائل زیست پزشکی در جهان اسلام را آن دسته از متخصصان پزشکی نوشته‌اند که توجهشان به این گونه مسائل از رهگذر مشارکت در مناظرات بین‌المللی در مورد اخلاقیات زیستی بوده است. در سال‌های اخیر، توجه فزاینده‌ای در جامعه بین‌المللی، به‌ویژه در سازمان جهانی بهداشت، برای آموختن سائلی در خصوص دیدگاه‌های اسلامی به وجود آمده است. توجه به این مسأله مهم است که نخستین بار در غرب، خودمختاری فرد بیمار در تصمیم‌گیری، از حمایت اخلاقی - حقوقی برخوردار گشت. مفاهیم غربی از حقوق جهانی بشر، مبتنی بر دیدگاه سکولار فردمدار و رابطه میان این افراد در فضای جامعه سکولار می‌باشد. این عقیده که افراد دارای حقوق‌اند، بر فهم و قرائتی خاص از فرد، اساساً به عنوان عاملی خودگردان دلال دارد. تفکر نوین از فرد خودمختار، کنشگران اجتماعی را به عنوان عاملان مستقلی فرض می‌کند که منافع خود را هدف قرار می‌دهند. در اخلاقیات جمع محور اسلامی، خودمختاری به هیچ وجه به عنوان یکی از اصول اصلی اخلاقیات زیستی شناخته نمی‌شود. گفتن

جهان‌شمول اسلامی بر این تصور استوار می‌باشد که فردی که از لحاظ روحی و اخلاقی خودمختار است، توانایی نیل به سعادت را در شرایطی جدای از ارتباط با شریعت جمع‌محور که تأکید بر سیستم یکپارچه فقهی و اخلاقی دارد، نخواهد داشت. شریعت، تمایزی میان افعال خارجی و حالات درونی قایل نمی‌شود، زیرا جامعه و فرد را در کلیت نیل به سعادت فردی از هم جدا نمی‌داند. گفتمان جمعی اسلامی، خود را از طریق مشروعیت بخشیدن به خودمختاری در چارچوب نظم جمعی مبتنی بر دین و با آزاد دانستن فرد برای مذاکره در مورد سرنوشت معنوی خود تعریف می‌کند، در حالی که این گفتمان، انسان را ملزم به تبعیت از نظم اجتماعی می‌کند که دربردارنده نقش رابطه متقابل و خودمختاری می‌باشد و در شریعت، نظام حقوق و مسئولیت‌ها بر مبنای این دو شکل گرفته‌اند. از این‌رو، در بستر اخلاقیات جمع‌محور اسلامی، مسأله اساسی نحوه حفظ نظامی متشکل از مسئولیت‌ها و روابط متقابل در سطوح فردی و جمعی است. علاوه بر این، در جهان اسلام نیز همچون بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه، رویه پزشکی تمایل به باقی ماندن در سطحی ضرورتاً اقتدارگرا و پدرسالارانه دارد به گونه‌ای که هر جا تنگناهای اخلاقی بروز می‌کنند، بیماران و خانواده‌ها را از هر گونه نقش اساسی در تعیین مزایا و معایب درمان محروم می‌نمایند. از این‌رو، دیدگاه‌های اسلامی که در مطالعات انجام گرفته توسط این متخصصان پزشکی بر اساس احکام تجویزی که به زبان‌های بومی خود یعنی عربی و فارسی یا ترجمه آنها ارائه شده‌اند، فاقد ارتباط روشنفکرانه با تحلیل اخلاقی می‌باشند که خود مستلزم فراگیری مضامین شرعی فقه اسلامی و اخلاقیات کلامی است تا ارتباط و کاربرد آنها را به نحو صحیحی ارزیابی نماید. به دلیل فقدان اطلاعات لازم پیرامون اصول اخلاقی بنیادین که تحقیقات فقهی را در حقوق اسلام رهبری می‌نماید، ادبیات پژوهشی که نگارنده کتاب حاضر در زبان انگلیسی بررسی نموده است، دربردارنده قضاوت‌هایی ابتدایی و مخرب در مورد دیدگاه‌های اسلامی است. در برخی موارد، واژه «اسلامی» صرفاً برای مشروع جلوه دادن انتساب محتوای کتاب به

اسلام به کار رفته است، حال آنکه منابع شرعی تفکر اخلاقی اسلام، انتخاب‌ها و راه حل‌های گوناگونی را برای هر تنگنای اخلاقی در زیست‌پزشکی، فراهم می‌سازد. این کتب و مقالات نمی‌توانند پشتوانه اخلاقیات پزشکی اسلامی به‌شمار آیند. این رشته نوظهور نیازمند تعریفی از عوامل معرفت‌شناختی و توسعه روش‌شناسی و سازوکارهای توجیهی خود برای ارائه استدلال‌های اخلاقی است که به وسیله آنها زمینه‌هایی برای استنباط "توصیه‌های اخلاقی" و نه "آرای فقهی"، در مسائلی که مانعی بر سر راه بهداشت انسان و پژوهش پزشکی در جوامع اسلامی است، فراهم آید.

با تأکید بر اهمیت منابع شرعی که موجب اعتبار احکام جدید می‌شوند، اخلاقیات زیست‌پزشکی اسلامی نمی‌تواند متناوب و منابعی را که اسلامی بودن آن احکام را تأمین می‌کند، نادیده انگارد. در واقع احکام فقهی، نقش اطلاعات خامی را برای پژوهش بعدی در مرحله دلیل اخلاقی ایفا می‌کنند که می‌توانند این احکام را تقویت کنند. به عبارت دیگر، باید پیشینه فتوا با هدف بررسی و شناخت استدلال فقهی که مبنای احکام را تشکیل می‌دهد، مورد تحقیق قرار گیرد. چنین پژوهشی، باعث شفاف ساختن روش‌شناسی اجتهاد مبتنی بر عقل و نقل می‌شود و محقق را در شناسایی اصول و قواعد عملی که فقهای اسلام آنها را در حل مسائل جدید به کار می‌گیرند، یاری می‌رساند.

بسیاری از علما در جهان اسلام که در هر دو حوزه فقه و پزشکی متبحراند، نگارش کتاب‌ها و مقالاتی را در خصوص مسائل اخلاقیات زیستی مورد علاقه جامعه بین‌الملل برعهده گرفته‌اند. در برخی از آثار منتشر شده به زبان‌های عربی و فارسی می‌توان روح مباحث فقهی اسلامی را در استنباط احکام جدید مشاهده نمود. با وجود این، به دلیل فقدان هر نوع بحث اخلاقی، ادبیات پژوهشی منتشر شده قادر به فراهم ساختن مرجعی برای مطالعه تطبیقی بین اخلاقیات زیستی اسلامی، با اخلاقیات سکولار و یا اخلاقیات مبتنی بر سایر مذاهب نمی‌باشد. در حال حاضر، اخلاقیات زیستی اسلامی برای مطالعات تطبیقی، نیازمند تدوین قواعد و اصول خود است.

جایگاه «اسلام» و «مسلمانان» در این پژوهش

من واژه‌های «اسلام» و «مسلمان/ مسلمانان» را به عنوان واژه‌هایی با مفاهیم گوناگون به کار می‌برم تا تمایلات مختلف تفکر و رویه اسلامی را در بسترهای سیاسی و اجتماعی بازگو نمایم. به طور کلی، از واژه اسلام برای تبیین سه گروه از مفاهیم مختلف استفاده می‌شود:

۱. اسلام به عنوان یک تمدن و تأثیرات آن به عنوان فرهنگی که در سراسر دنیا به عنوان سنتی دینی گسترش یافته است. مسلمانان با دینداری ملی‌مآبانه مستحکم خود، تمدن اسلامی را به عنوان یکی از موفق‌ترین تمدن‌ها و یکی از سنت‌های غالب فرهنگی جهان که مبتنی بر عدالت و تساوی معنوی است، به وجود آورده اند. به عنوان یک سنت جهان شمول، اسلام در این معنا الهیاتی فراگیر را که مبتنی بر اهمیت دادن به دیگران است، ترغیب و تشویق می‌کند. اسلام از طریق تأکید بر عدالت در خلقت، به برانگیختن انجام عمل اخلاقی اصرار می‌ورزد تا بدین وسیله معیارهایی را برای میراث فرهنگی جهانی به وجود آورد. [۶] اسلام به عنوان نیرویی مهم در شکل‌دهی پیش‌فرض‌های تمدن جهانی و به عنوان نظام فرهنگی که مفاهیم اخلاقی خود را در محیط‌های مختلف سیاسی و اجتماعی تعیین و منطبق نموده است، در پی یافتن الگویی از مسیر بررسی تاریخ خود می‌باشد. اسلام در این مسیر از طرح وقایع تاریخی و رساندن آنها به سطح نمونه‌های شرعی اقتدارگرایانه متصرف شده است و نقش زمان و مکان را در تفسیر گرایشی تفسیری به عنوان بخشی از یک پیشرفت عمومی در جهت استفاده مناسب از اعمال و اعتقادات اسلامی می‌پذیرد. [۷] این امور را می‌توان در موارد زیر مشاهده نمود: اقتدار بخشیدن به زنان و از جمله پذیرش آنان به عنوان متخصصان پزشکی و مشروعیت بخشیدن به مراقبت‌های ایشان از بیماران غیرهمجنس و سایر مباحث مربوطه، عدم اصرار بر وابستگی صوری مفاهیم سنتی اسلامی مانند نظریه روح و جسم برای اجتناب از اهدای عضو، کاستن از عقاید فقهی جزمی و ترویج اشکال